

تعلیمات

از :

غلام حسین فعال

انکشاف هنر تیاتر در افغانستان

به تائید دسلسله نوشته های پروفیسور داکتر لطیفی :

مطالعات و بررسی های میرساند که بهمان اندازه که قوه تحلیل فکری اشخاص متفاوت میباشد ، توانائی دید آنها نیز تفاوت داشته ، بعضاً دور بین ، عده ای نزدیک بین ، جمعیتی وسعت نظر داشته و گروهی در آتش تنگنظری می سوزند ، و در این آتش چشمان اطرافیان را نیز متأثر می سازد .

محترم داکتر عنایت الله شحرانی هنرمند چیره دست کشور که علاوه بر هنر سامی ، با هنر موسیقی و آرت و تمثیل نیز علاقه و تمایل خاص دارند ، ضمن اینکه خودشان با نوشتن صفایین بکر و معرفی شخصیت های بزرگ کشور می پردازند ، شب و روز مصروف تدقیق و بررسی های هنری بوده ، اشخاصی را که حاضر مسدودات هنری میباشدند ، تشویق میکنند تا بر اساس نوشته های محترم رهسوزد زریاب ، خدمات عرفانی و فرهنگی شخصیت ها و دانشمندان کشور از خاطر ها محو نشده تا جائیکه امکان دارد در معرض نشر قرار گیرد .

محترم داکتر شحرانی رزمی به این طرف در کتابی شخصیتهای بود که راجع به
انگشت هنر تیار در کشور که اولین گام از استاد فقید عبدالرشید لطیفی برشته بودند
مطبعی برشته تحریر آورده ، هنر دوستان کشور را در جریان قرار دهند ، خوشبختانه
صحت شان موثر است و محترم پو مانده داکتر عبدالواسع لطیفی که خود یکی از دانشمندان
شعیر کشور می باشند ، مضمون جالبی پرایون (صفحه ای از زندگی یک نویسنده
شهید وطن ، پیر تیار ، استاد عبدالرشید لطیفی) در چندین شماره جریده
وزیر اسید به نشر سپردند ، که خیلی سودمند خواندنی بود .



در تصویر محترمان سابر هراتی ، نجیب الله صا ، غلام حسین فعال
و آقا محمد سیار دیده میشوند .

استاد شهرانی به پژوهش‌های هنری خود ادامه داده به اینجانب نیز که خاطراتی
از بسیاری موضوعات هنری در کشور داشتم یادآور شدند تا آنچه را به صفت یک
خبرنگار از انکشاف هنر تئاتر در افغانستان بخاطر داشته باشم. برشته تحریر
در آورده تقدیم هنردوستان نمایم.

طوری که باید درام در اوایل ماه سرطان ۱۳۲۸ بود که برای تماشای نمایش درام
«شمدان‌های نقره»، صدر عظیم، وزراء و دیگر شخصیت‌های فرهنگی در
سالون تئاتر پوهنی‌سنداری دعوت شده بودند. محترم عبدالرشید^{لطیفی}
قبل از شروع درام راجع به ارزش هنر تئاتر در کشور که به مثابه یک دانشگاه
علمی در تنویر افغان مردم مؤثر می‌باشد، باینیه مختصری ایراد کرده اضافه
نمودند که درام شمدان‌های نقره اثر دیکتاتور هوگو نویسنده مقتدر فرانس
بنام بنیوایان توسط خودشان ترجمه شده و در یکه‌ممشان ورزیده در
موت بیش از دو ماه شوق و تمرین گردیده است.
بعد از یکه‌ممشان را معرفی کردند. نمایش درام آغاز شد

شیوه ادراکات و حرکات ممشان ، آنقدر بروحیه تماشاچیان اثر
انداخته بود که هر بخش درام با کف زدنهای ممتد بدرقه گردید و چنان
در نمودند که واقعاً هنر تیار خاسته بخشهای مختلف این درام بروحیه
مردم کشور اثر مثبت می آورد .

در ختم درام بعد از اینکه مرحوم عبدالرشید لطیفی و سائر ممشان
پوهنی سندی مورد نوازش و تفتد صدر عظیم و وزراء قرار گرفتند
مرحوم غلام محمد فرهاد رئیس انتخابی مردم در بدیه کابل با محترم عبدالرشید جلایا
که یکی از تحصیل یافتگان جرمی بوده و با ایشان آشنائی قبلی داشت ،
صحبت کرده موصفت او را در رول (شان و اثران) تبریک گفت و از ادعوت
کرد که اگر بدیه کابل مانند بدیه های سایر کشورهای اروپائی تیار خاصی داشته
باشد همکاری میکند ؟ محترم عبدالرشید جلایا در همان محل قول داد که من
حاضرم برای انکشاف تیار در خدمت همشهریان عزیز خود قرار بگیرم .

فردای آن روز محترم غلام محمد فرهاد ، محترمان محمد حسین نهضت

منشی انجمن بدیه را با محمد حسن کریمی مدیر عمومی عواید بدیه و بسم به مهندس
مدیر عمومی مهندسان بدیه و طیفه داد که در اسرع وقت به نقشه و اعمار صحنه تمشیل
بدیه اقدام کنند .

این حکم در ظرف یکماه عملی شد و بهترین صحنه تمشیل که گنجایش صد نفر
داشت با همه تجهیزات و لوازم آن در جاده مرز حم سندوی جدید کابل
آماده نمائشات هنری گردید .

محترم عبدالرشید جلیا ، هنرمندانی چون محترمان محمد یوسف کهزاد ،
«محمد سار هراتی ، وزیر محنت ، سید مقدس نگاه ، نجیب الله مسما
محمد عیسی نوا ، یار محمد فراز ، محمد نعیم رفاه ، آقا محمد شایا ، محمد ابراهیم نسیم ،
محمد حسین ارمان ، یوسف بهروز ، فرخ افندی و جمع دیگری از علاقمندان
آرت و تمشیل را گرد هم آورده اساسات هنری تمشیل را برای شان توضیح
و تشریح کرد .

اولین درام بنام عشق عسکر اثر محترم سار هراتی که خودش هم

شاه بود ، هم مثل و هم موسیقی نواز ، در معرض نمایش قرار گرفت و آنقدر استقبال شد که قبلاً درام های روزهای پنجشنبه و جمعه در پوهنی مندرای در معرض نمایش قرار میگرفت و درام «عشق عکس» در طول مانزده روز طور مسلسل نمایش داده شد و عاید هنگفتی بدست آورد .

محترم غلام محمد فرهاد بریت دارد که تمام عواید درام با یک نام کارکنان تیاتر بدیه تقسیم شود . این بخش باعث تشویق هنرمندان بدیه کابل شده آنها را واداشت تا فعالیت بیشتر به خرج داده و در امرهای جالبتری برای شهریان کابل نمایش بدهند . در درام «عشق عکس» که بخش موسیقی آن به عهده مرحوم استاد فرخ افندی همزمان با او چون سلیم سرست ، استاد ننگیلی ، غلام سخی و استاد هاشم طبعی نواز بود . محترم محمد ابراهیم نسیم ترانه « من عسکرم ، من عسکرم ، من خادم این کشورم » را به طرز جالب اجرا کرد که به استقبال گرم تماشاچیان مواجه گردید .

بعد از آن درامهای جالب از آثار محترمان یوسف کهزاد ، سید مقدس نگاه عبدالوهاب لطیفی ، موسی نهبت ، وزیر محمد کنهت در معرض نمایش قرار گرفت که در نزد وادیرکت تمام درامها بدوش محترم عبدالرشید جلبا بود و محترم محمد یوسف بهروز

در جریان نمایشات با جهات سوزن ممشان را مساعدت کرده و نفیسه سفلی را
انجام میداد .

یکی از روزها وزیر کتت جوانی را بنام عبدالرحیم محمودی به عبدالرشید جلبا معرفی کرد
در نظار داشت که آوازگیری آن جوان که در حمام نغمه سرائی میکرد مرا سکف خست
تا از استعداد سرشار او در صحنه بدیده استفاده بعمل آید . این جوان چند نغمه را بدون
موسیقی زمزمه کرد و محترم سارهراتی شعر (ای ساربان آهسته روکارم جانم میروم)
کمپوز کرد و برای آن جوان داد تا تمرین نماید . عبدالرحیم محمودی در وقفه یکی از درامها
سهم گرفت و خیلی خوب نغمه سرائی کرد . از آن به بعد تخصص «ساربان» برایش
انتخاب شد و آنقدر درخشید که شهرت بسزائی پیدا کرد .

رفیقان نا اهل این جوان آرزو را با محذرات آشنا ساختند و حیات
او را در عقول نسج جلانی به تباهی کشانیدند .

محمد عیسی نوا که بعداً تخصص خمار را بخود انتخاب کرد با محمد حسین ارمان
و محمد ابراهیم نسیم از جمله نغمه سرانیا بودند که بر مبری فرخ افندی با چاه عشقی
اجتماعی و کسبیدی را در وقفه های هر درام می سرودند و مورد استقبال گرم تماشا

قرار میگرفتند .

نجیب به مساجد همنامی محمد علی رونق هنرمند با استعداد تیار و لطیف و یکپوش
صحنه ها را انجام میداد و میرمحمدی حرف کبک ژر لایقی بود که مطابق روحیه ام
هنرمندان را کبک ژر مینمود و خیلی درین رشته مهارت داشت .
بعضی از هنرمندان به علت اینکه طبقه نسوان در رول اشتراک کرده
نمی توانستند رول زنهارا چون عروس ، مادر ، خواهر ، خست و سایر همراها
اجرا میکردند . درین رول محترمان یا محمد فرارز ، محمد نعیم رفاه ، محمد زنا
انوری ، نیک محمد قایل ، آقا محمد شیا و غیره شهرکاری مینمودند .
سید مقدس نگاه و برادرش سید لطیف روت که بعداً خیلی خوشیند
علاوه از اجرای رول های تراژدی در امره های به ترسیم بهترین ریکلام ها نیز
می پرداختند .

صحنه تمثیل عبیه در مدت کوتاهی موفقیت های زیادی بدست آورده
و هر هفته یک درام جدید را در معرض نمایش قرار میداد .

در آنها اکثر سه یا چهار پرده می‌داشت ، در وقف هر پرده از ترک های
جالب و خواندن های کمیدی با موسیقی اجرا می شد که تماشاچیان را به هیبت
می ساخت ، یکی از خواندن های محمد ابراهیم نسیم که (دوزن دارم چه غم دارم)
افتد ، مورد پسند تماشاچیان قرار گرفته بود که بسته های گل نثار او میگردید
همچنان خواندن جالب حسین ارمان که (او غوغا تا جیکه اوز باک همه برار میه -
پکشی نضوار میه) نیز مورد تحسین و تمجید قرار گرفته بود .

وقتی آوازه هنر نمائی هنرمندان صحنه بدیه کابل به ولایت رسید
اولین دسته هنرمندان هرات ننداری تحت اداره محترم علی محمد ذره
به کابل آمد و محترم مهدی نصرت هر دو در یکی از درام های اثر علی محمد ذره
خیلی خوب درخشید و مورد استقبال قرار گرفت .

در همین روزها بود که موسسه نسوان نیز موفق شد درامی را در معرض
نمایش قرار بدهد . ممثلین موسسه نسوان با کلیات های مختلف ، رول
مردان را طوری بازی میکردند که قطعاً فهمیده نمی شد از طبقه نسوان باشند

به این ترتیب هنر تیار که استاد عبدالرشید لطیفی آزا پایه گذاری کرد
 انکشاف بیشتر پیدا کرده راه خود را در اکثر ولایات باز نمود و در کابل صحنه تمثیل
 دیگری بنام "شهری ننداری" به نمایش درامها و ترکتهای آغاز کرد و نسبت
 به داشتن ممثلین ورزیده عمر کوتاه داشت.

این هنر در لیثه، مکتب و حتی در پوهنستان نیز ریشه دوانید و خدا
 ارزنده فرهنگی را بر تماشاچیان عرضه داشت. تمام این همه فعالیتها
 هنری تیار به اثر ابتکار پدر تیار مرحوم عبدالرشید لطیفی به وجود آمد که
 بالای هر صحنه تمثیل به خط جلی نوشته بودند:

صحنه تمثیل اینی در نظر بهیوده نیست عبرت آموز خودمندان بود هر پرده اش

چون تقریباً نیم قرن از جریان این خاطرات گذشته است، اگر نام بعضی از هنر
 فراموش شده و یا تغییری در رویههاشان رخ داده باشد معذرتم را بقبل کنند.

ارتقای هنر موسیقی و آرت و تمشیل بسویہ اکادمیک
 همچنانیکه دیده شد از مرحد ابعده در رشته های مختلف علوم متخصصان و پروفسورین
 بوجود آمدند . هنر موسیقی و آرت و تمشیل در کشور ما نیز مراحل ابتدائی داشت
 و شخصیت های فداکار و با استعداد کشور چون کاکا نظر و استاد قاسم در رشته
 موسیقی و استاد عبدالرشید لطیفی در رشته آرت و تمشیل اساس گذاران این
 دو مکتب بودند که با اثر سعی و اهتمام این شخصیت ها موسیقی و هنر آرت
 و تمشیل انگشاف یافت و به همت والا دکتر خایت الله شهرانه
 که خود یکی از هنرمندان ورزیده و تحصیل کرده کشور بودند در پوهنتون
 کابل بسویہ اکادمیک ارتقاء یافت .

حوب باید دارم که استاد قاسم مرحوم یک تعداد شاگردان را در
 خرابات کابل تشویق به یاد گرفتن (نر، و دلی، میکرد و تکرار کلمات
 (ساری گمه په رده نی سا) که در گوشه های خرابات زرنه می شد
 هنوز هم در گوشه هایم لحنین انداز است . بعد از درگذشت استاد قاسم

موسیقی رهش را به خارج از حرات باز کرد و به اولین بار کورس
موسیقی در مطبوعات کشور تشکیل شد و هنرمندان چون حبیب خیلند،
آقای حفیظ رسه خیال، و در برهیم نسیم، ازین کورس فارغ شدند که از جمله
نها لک شمر موسیقی در کشور ما محسوب می شدند .

در تنها بعد از چکات نظامی کورس دیگر تشکیل شد که هنرموسیقی به شکل
نوعیتش با آلات موسیقی غربی تدریس گردید و از کورس مذکور سلیم سرت
شنگیالی و غلام سخی در بخش های ماندولین ، ترومپت و اکوردیون فارغ شدند
و موسیقی افغانی را در کن ر آلات موسیقی وطنی و هندی غنا بخشیدند .
بعد از خشان ، سارا خیلند ، شریلا ، سهیلا خیلند ، احمد خیلند
فی هر هویدا و دیگر هنرمندان موسیقی عرض وجود کردند و موسیقی افغانی را
به سویی کشور های همجوار انکشاف دادند .

هنرمندانی های استاد محمد حسین سرانگ ، استاد شیدا ،
استاد رحیم بخش و دیگران موسیقی افغانی را به خارج از کشور معرفی کرد که خیلی

سور و استقبال قرار گرفت .

در رشته آرت و تمثیل طوری که دشمن محترم دکتر عبدالواسع لطیفی
به معرفی عثم بزرگوار خود استاد عبدالرشید لطیفی پرداخته و شخصیت مذکور را
پدر تیاتر در افغانستان خوانده اند ، خوب بیاد دارم که استاد
عبدالرشید لطیفی به صفت یک معلم خیلی با استعداد ، حوصله مند
و هنر پرور شاگردان زیادی را چون عبدالرحمن بنیا ، اکبر نادوم ،
الکرم نقاش ، عبدالقیوم ببید ، و نیک محمد تحت تربیه گرفته هر کدام
در شست های مختلف پروریدند و زمینه را برای رشد استعداد سازمندان
فرهنگ ساختند .

یکی از همشان ورزیده که خوب درخشید زلیخا نورانی بود ، زلیخا
نورانی ، جدل نورانی و خانم نورتن سه هنرمند ورزیده که پدر افغان
و مادر ترکی داشتند هر کدام به اثر توجه خاص مادرشان که زن خیلی مهربان
و هنر دوست بود به اندازه شهرت هنری پیدا کردند که کمتر هنرمندان

می‌نوشتند. نقش آنها را بازی‌کنند.

جلال نورانی نویسندهٔ برازنده که داستان های کوتاه او هواخوانان زیادی پیدا کرده بود، اولین مدیر مجلهٔ کودکان بنام «گلکب نوانیس» بود که مجلهٔ زیب و خواندنی را با تصاویر رنگین از دهن روزنامه‌انیس با تیراژی خیلی بلند به نشر میرسانید و محبوبیت زیادی پیدا کرده بود.

زلیخا نورانی و خانم نورتن هم هر کدام با استعداد شکوفان در هنر تمثیل درخشیدند و شهرت به سزائی کسب کردند.

در زمانی که کابل بودم شنیدم بوعلی شمس کابل موفق شده است فاکولتهٔ هنرهای زیب را انکشاف به به و شعبات هنرهای موسیقی و تئاتر را تشکیل کرده این دو هنر ارزشمند و مفید اجتماعی را به سویهٔ اکادمیک ارتقا دهند.

در آن زمان نسبت معدودیت های زیاد موفق شده نوشتنم پراپون تشکیل جدید شعبات موسیقی و آرت و تمثیل با مسئول ادارهٔ هنرهای زیبا صاحب انجام داده تقدیم خوانندگان نمایم.

خوشبختانه محترم دکتر غایت الله شهرانی رئیس فاکولته هنرهای زیبا را در شهر
بوسنگتون ایالت اندیانا ای امریکا پیدا کردم و از محترم شهرانی پرسیدم
که هدف شما از تشکیل شعبات موسیقی و آرت و تمشیل در چوکات فاکولته
هنرهای زیبا ی پوهنتن کابل چه بود ؟ آقای شهرانی که دکتورای خود را

در رشته تعلیم و تربیه secondary Education از یونیورسیتی ایلینس
آریزونا ای امریکا بدست آورده رند با چهره بشاش و علاقمندی زیاد
گفتند :

وقتیکه به صفت آمرتعبه هنرهای زیبا عزتقرچسل کردم خواتم
یک سلسله افرواتی را که هنرمندان موسیقی و آرت و تمشیل از شنیدن
آن رنج می بردند ، از خاطر مردم محو ساخته شعبات موسیقی و آرت
و تمشیل را در چوکات فاکولته هنرهای زیبا تشکیل نمایم و این دو هنر را
به سویی اکادمیک ارتقا بدهم .

بعضی از مردم در گذشته با موسیقی را منوط و مربوط به خرابات

دسته هنرمندان موسیقی را سازنده و همچنان هنرمندان آرت تمشیل را
رتقا صد میخوانند .

اولین کاری را که انجام دادم محترم دکتر محمد نعیم فرحان را که در رشته
تیا تر دکترای خود را از جمهوری چکوسلوواکیا به دست آورده و در وزارت اطلاعات
و کلتور مشغولیت داشتند با موافقه وزارت اطلاعات و کلتور به فاکولته هنر ها
زیبا جذب کردم تا در پلان تشکیل شعبه آرت تمشیل با من همکاری نماید .
بعداً توفیق یافتم همکاری محترم عبدالقیوم بید وزینی نو را
نیز جذب کرده این شعبه را تأسیس نمودم و توفیق یافتم هنر تمشیل را
به سوئی اکادمیک ارتقا بدهم .

در قسمت تشکیل شعبه موسیقی نیز که مطلبی درین رابطه قبلاً به نشر رسیده
توفیق یافتم به همکاری هنرمندان ورزیده کشور سلیم سرست ، فقیر محمد
منگیلی و حسین ارمان هنر موسیقی را انکشاف بدهم و این دو هنر زیبا
در چو کات علم و هنر متباز سازم .

دکتر شهرانی به سخن خود ادامه داده افزود :

کرزوها برای انگشرف هنرهای زیبا زیاد بود ، در پهلوی شعبات موسیقی و آرت
و تمشیل ، شعبات میناتور ، خطاطی و گرافیک نیز تشکیل شد و شاگردان
زیادی در هر بخش تحت تربیه قرار گرفت .

متأسفانه ، وضع نامناسب کشور سبب شد که برای حفظ جان خود و اهل و عیال
کشور را ترک گفته از وطن هجرت نمایم .

اطلاعات بعدی می رساند که محترم محمد نعیم فرحان مدت
دیگری در هنرهای زیبا باقی ماند و او و امثالش که فقدان شان در وطن
تاثر آور می باشد وطن را ترک گفته راهی دیار خارج شدند .
و تمام زحمات و تکالیف دست اندرکاران را که ذریعه دشمنان
افغانستان به نابودی کشانیده شده است با تاثر و تأسف زیاد از
دست دادند .

اگر این همه دشمنان وطن و مردم افغانستان آتش نفاق و جنگ

شغل نمی ساختند امروز فاکوئه هنرهای زیبا ، زیبائی بیشتری داشت
 و در رشته های مختلف بعضی از کشورهای مسجور در یک ردیف قرار میگرفت
 و هنرمندان بیشتری تقدیم جامعه افغان میگردد . در خاتمه از معذرت
 جاسع محترم داکتر شحرنا تشکر کرده عذرت سمدت و صحت کامل برایشان خوانم .

مرحوم لطیفی در هنر تمشیل متخصص بود .

استاد عبدالرشید لطیفی پدر تیاتر در افغانستان بعد از اینکه هنر تمشیل^۱
 در کابل نشاندار حسب مطلوب انکشاف داد و عده زیادی جوانان را آماده
 پذیرش ژست و حرکات مختلف تمشیل ساخت ، همکاری خود را برای رشد
 همیشه یکجمله جوانان دیگر در صحنه تمشیل مرستون و همچنان صحنه تمشیل بلبله^۲
 کابل ادامه داد . فراموش نمی شود که استاد مرحوم هنگام نشان دادن ژست و
 خودش حرکاتی را اجراء میکرد و آن حرکات را چندین بار تکرار مینمود تا جوانان
 مورد نظرشان خوبتر بتوانند آن ژست ها را اجراء کنند و در هنگام
 تمشیل در روی سثیر موفقیت های نصیب شان گردد .

استاد لطیفی هنگام زری و دایرکت در امکا تراژدی بذل ساعی بیشتر میکرد
 و در بعضی از مواقع که لازم بود ممثل گریه کند ، گرچه در هنگام تمثیل بعضی از
 هنرمندان از یک نوع مایع اشک آرد استفاده میکردند ، مگر استاد
 لطیفی هر بار که در اشای شوق درام های تراژیدی رول ممثیلین را
 دایرکت میکردند ، خودشان بدون اینکه مواد را برای سرازیر شدن
 اشک استعمال کنند ، چنان اشک میرخنشند که انسان فکر میکرد
 آن صحنه تمثیلی کاملاً واقعیت داشته است .

بیاری از هنرمندان حتی در هنگام تمثیل رول خود روی ستر
 موفق شده نمیتوانستند اشک بریزند و چنان تمثیل میکردند
 که شبیه به گریه کننده می بود .

مرحوم عبدالرشید جلایا مدیر صحنه بدیه بار ناطق میباش که مرحوم
 عبدالرشید لطیفی در هنر آرت و تمثیل نبوغ داشت و زحمات طاقت
 فرسای او بود که من در رول « تران و اثران » به موفقیت نایل شدم

مرحوم لطیفی یک روز برای تماشای یکی از درام ها که در صحنه تمثیل بدیه
نمایش داده می شد ، به صفت تماشاچی در صف اول نشسته بود و درحالی که
قلم و کاغذ در دستش بود بکلمات مهم غلطی و اشتباهات ممثلین را یادداشت
گرفته بودند . در ختم درام مرحوم لطیفی به اداره صحنه بدیه آمده درحالی که
از طرف آقای جلب و تمام هنرمندان به گرمی استقبال شدند
روی چوکی نشسته به صفت یک نقاد صلاحی آنچه را یادداشت کرده
بود یک یک بر شمرده و در هر صحنه و تمام کارکنان صحنه بدیه را
منی طب ساخته گفت : شما همیشه معین جماع را دارید .
با رجاء کردن رول های معین در هر درام فکر نکنید نمایش
درام صورت گرفت و مردم هم رزیدین صحنه های عبرت آمیز
درام ها چیزی بدست آورده رند ، و یا درام نمایش داده ، عاید خوبی
از آن بهت آمد و حق الزحمه مناسبت نصیب می گردد .
فرصتیکه یک رول برای شما تعیین میگردد ، نخست باید

هنر رول معینه را چندین بار مطالعه کرده و در حافظه خود بگنجانید ، بعد دقیقاً
متوجه رژی و دایرکت رژیسور خود باشید که چه ژست ها و حرکات را
به شما می نمایند .

رژر برای عمل سخت ژست و حرکات طوری که لازم است آمادگی
مذاشته باشید بهتر است قبل از تمرین و یا نمایش درام از اجرای رول
معذرت بخواهید و اگر علاقمند اجرای رول معینه می باشید بازت
و فداکاری قابل وصفی در اجرای رول مهت گما رید و در وقت نمایش
درام که چشم تمام تماشاچیان متوجه شما و اداکاریها شما می باشد
رول تان را به وجه احسن انجام بدهید .

مرحوم لطیفی وقتی یادداشت های خود را روی میز گذاشت و پشت
حرکات مشدین را مورد انتقاد قرار داد ، در محض سارهراتی
که او هم نویسنده درام ، هم شاعر ، هم موسیقی نواز و هم هنرمند
تمشیل بود از جایش حرکت کرده و دست های مرحوم لطیفی را بوسیده گفت :

رز بهائی های استاد محترم تشکر میکنیم ، خداوند برای تان موفقیات
 نصیب کند ، اگرگاه گاهی در صحنه تمشیل بدیه تشریف آورده هنرمندان
 تمشیل این صحنه را مورد نوازش قرار دهید رز شما خیلی ممنون خواهیم
 مرحوم لطیفی زلجاردشت که محترم عبدالرشید جلبا در صحنه تمشیل
 بدیه را درین رشته تنویر کرده ام شما میتوانید از دانش و علمیت
 هنری شان استفاده کنید . عبدالرشید جلبا رز جایش برجسته
 زلجاردشت که این نکته های بارز را که شما مورد ارزیابی قرار داده اید
 باور کنید هرگز من متوجه آن نشده بودم .

در زمانیکه من در رادیو افغانستان وظیفه دهم استاد رفیق مصداق
 که یکی از شاگردان با استعداد مرحوم لطیفی بود ضمن یاد آوری رز کارنامه اش
 عرفانی استاد عبدالرشید لطیفی زلجاردشت که مرحوم لطیفی ما را به صفت یک
 هنرمند آرت و تمشیل نه بلکه به صفت فرزندان خود چنان تحت تعلیم
 و تربیه هنر آرت و تمشیل قرار میداد که فکر میکردیم واقعا پدر صلی می باشد

او همیشه ما را به نام «پچیم» صدا می‌کند و هر حرکت را ده بار خودش اجرا می‌کند تا اینکه ما می‌توانستیم عین حرکتی را که او اجرا کرده است اجرا نماییم .

یکی از هنرمندان بسیار با استعداد کابل سندی محترم محمد علی رونق‌بود

این جوان که در رشته انجینیبری برق و دیکوریشن صحنه های مختلف در آنها تربیه شده بود ، بارها اظهار می‌داشت مرحوم لطیفی مثل اینکه در رشته دیکوریشن تخصص داشته باشد ، هنگام دیکوریشن صحنه های مسرورام نظریات و دریافته ها می‌دادند که اجرا لایت و دیکوریشن اهمیت تمشیل هر بخش درام را را دو بالا می ساخت .

به همین ترتیب مرحوم لطیفی در رشته مکیاژری هم معلومات و استعداد کافی داشتند ، محترم میرمحمد بنی حریف که خودش یکی از رسامان و تصویرگران

ما هر بود و در عین حال و طیفه مکیاژری را در صحنه پوهنی سندی

به همه داشت می‌گفت . در قسمت بعضی از مکیاژها استاد لطیفی شخصاً

با من همکاری می‌کرد و مثل را طبق خواست خودش طوری مکیاژ می‌نمود

که تقریباً مانند اصل عرض وجود می‌کرد .

خدا صه باید عرض شود که استاد عبدالرشید لطیفی علاوه بر اینکه در امر نویس درج اول
در کشور بود، در رشته های رزی و دایرکت، سوفلوری، میکاثری، دیکوریشن،
لایت اندازی و حتی انتخاب لباس برای مثل نظیر و همای نداشت.

جای افتخار است که برادرزاده دانشمند و محترم شان داکتر عبدالواسع لطیفی
موفق شدند شمه از کارنامه های آن استاد گرامی را که خداوند جنتش کند
به رشته تحریر در آورده و روح شازادش ساختند.

هیچان قابل مایه آوری است که استاد دعایت الله شهره بهر مند حرمه است
کشور و نویسنده توانای بدیشان باستان نظر به عشق و علاقه زیادی که شخصیتها
دانشمند کشور دارند و همواره درین راه خودشان پیشقدم بوده اند یادک
از مرحوم استاد عبدالرشید لطیفی کردند و درین افتخار را به ما بخشیدند
تا به صفت یک خبرنگار آنچه را در خاطر داشتیم برشته تحریر در بیاورم.
متأسفانه نسبت کبر سن و ضعف حافظه مطالب زیاد را که در باره
بهر تمشیل آموخته بودم و یا از نزدیک شاهد بسیار از صحنه های تمشیلی

محقق بوده ام فراوانش کرده ام .

رسیده است آنچه را که حافظه اجازه میدهد و به رشته تحریر درآورده ام

حقی را که استاد محترم عبدالرشید لطیفی بر ما داشت ادا کرده باشم .

و السلام غلام حسین فعال

بلوئنگتن اندیانا